

## شورا و مشارکت

### اشاره :

آنچه می‌خوانید گزارش جلسه‌ای است که به دعوت ماهنامه‌ی شهرداری‌ها از شورای شهر نهاوند و مؤسسه‌ی فرهنگی علیمرادیان در شهریورماه ۱۳۸۰ تشکیل گردید و رابطه‌ی بین شورا و مشارکت مردمی مورد بررسی قرار گرفت. این گزارش با اهتمام خانم مرجان ذکایی تهیه و قبلاً در ماهنامه‌ی شهرداری‌ها شماره‌ی ۳۱ به چاپ رسیده است که بدین وسیله از ایشان و همکاران محترمشان در ماهنامه سپاس‌گزاری می‌شود. «فرهنگان»

تلاش در انجام امور عام‌المنفعه میان مردم ما قدمتی به درازای تاریخ دارد. افراد خیر در شهرها همواره به نیازهای مردم و شهر توجه داشته‌اند و بنا بر توانشان به حل مشکلات شتافته‌اند. شوراهای شهرها نیز، چند صباحی است که به مجموعه‌ی مدیریت شهری پیوسته‌اند و بناست که هدایت این مجموعه را بر عهده گیرند. اما سؤالی که شاید برای هر ذهن پرسشگری مطرح گردد، این است که فعالیت افراد خیر در شهرها پس از شکل‌گیری و حضور شورا در شهر، چه تفاوتی با گذشته دارد؟

افراد خیر شهرها تا به امروز اقدامات نیکوکارانه‌ی خود را بنا به تشخیص خود در شهر تعریف و اجرا کرده‌اند؛ اما سؤال این است که با پیچیدگی‌های امروزی شهرها و زندگی شهری، آیا هنوز همان شیوه‌ی کارکرد سنتی افراد خیر در شهر می‌تواند پاسخگو باشد؛ یا این فعالیت نیاز به سازماندهی دوباره دارد؟ آیا شوراهای می‌توانند فعالیت افراد

خیر را به گونه‌ای جهت‌دهی کنند که بیانگر اولویت‌بندی نیازهای شهری باشد؟ و در مقابل، آیا افراد خیر می‌توانند امید داشته باشند که با حضور شورا در شهر، ازین پس مؤثرتر خواهند بود و خواهند توانست بسیاری از اندیشه‌های مثبت خود را جامه‌ی عمل بپوشانند؟

مجموعه‌ی این پرسش‌ها ما را بر آن داشت که موضوع را در صفحه‌ی شورا و مشارکت به بحث بگذاریم تا به این پاسخ دست یابیم که آیا اساساً ارتباط معنی‌داری میان شوراها و افراد خیر بشهرها وجود دارد یا خیر؟ و اگر پاسخ مثبت است چگونه می‌توان ساز و کار مناسبی برای آن تعریف کرد؟

برای انجام این امر در جست‌وجوی شهری برآمدیم که بتوانیم با افراد خیر و اعضای شورای آن شهر به گفت و گو بنشینیم و دیدگاه‌های دو طرف را جویا شویم. به این منظور شهر نهاوند را یافتیم که از سوی اعضای شورای اسلامی آن با توان و اعتقاد راسخ به‌آوردگاه حل معضلات عمرانی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی شهر خود رفته‌اند؛ و از سوی دیگر تلاش‌های عام‌المنفعه شهر در عزم راستین یکی از چهره‌های خیر شهر، به نام مهندس محمدحسین علیمرادیان و در قالب تأسیسات خیریه تجلی یافته است.

برپایی مؤسسه فرهنگی علیمرادیان در واقع یکی از اقدامات عام‌المنفعه‌ای است که مهندس محمدحسین علیمرادیان پس از احداث بیمارستان و مجتمع فرهنگی - ورزشی، به آن پرداخته است. گرچه اقدامات عمرانی این مؤسسه در شهر مؤثر و چشم‌گیر بوده است اما آن‌چه نگاه برتری را نسبت به فضای حاکم بر فرهنگ ما نشان می‌دهد، تأکید این مؤسسه بر اقدامات فرهنگی و مشارکتی عام‌المنفعه است. این مؤسسه با انتشار فصل‌نامه‌ی «فرهنگان» که عمدتاً به «نهادشناسی» می‌پردازد، اطلاعاتی غنی را از جمله در زمینه‌ی نقاط ضعف و توانایی‌های شهر در اختیار تصمیم‌گیران شهری قرار می‌دهد و نوع برتری از تلاش‌های عام‌المنفعه را به نمایش می‌گذارد.

ماهنامه‌ی شهرداری‌ها برای این که بتواند دیدگاه‌های دو طرف را در اختیار خوانندگان قرار دهد میزگردی با حضور چندتن از دست‌اندرکاران تشکیل داده است و

آنچه در ادامه می‌آید، محصول این گفت‌وگوست. امید است که این فتح بابی باشد در حرکت به سمت اداره‌ی مشارکتی شهرها.

### اعضای شرکت کننده در میزگرد:

□ محمدتقی شهبازی - کارشناس ارشد جامعه‌شناسی؛ نایب‌رئیس شورای اسلامی

شهر نهاوند

□ مراد سیف - کارشناس عمران؛ عضو شورای اسلامی شهر نهاوند

□ حسین داودی - دکتر در زبان و ادبیات فارسی؛ مدیر مؤسسه‌ی فرهنگی

علیمرادیان

□ حسن پاسیار - کارشناس ارشد علوم سیاسی؛ عضو هیئت امنای مؤسسه‌ی فرهنگی

علیمرادیان

□ اعظم خاتم - کارشناس ارشد جامعه‌شناسی؛ محقق در مسائل شهری

□ مظفر صرافی - دکتر در برنامه‌ریزی شهری؛ عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی

\*\*\*

◀ محمدتقی شهبازی: ابتدا از اقدام ماهنامه‌ی شهرداری‌ها در طرح این مسئله و برگزاری این نشست تشکر می‌کنم. بدون شک طرح یک ایده زمینه‌های اجرای آن را نیز به دنبال خواهد داشت. قبل از این که وارد بحث اصلی شویم، بهتر است نگاه مختصری به شرایط حاکم بر شوراها بیفکنیم و بعد ببینیم که موضوع افراد خیر در کدام یک از مقوله‌های مرتبط با شورا جای می‌گیرد.

همان گونه که مستحضرید، شوراها‌ی اسلامی حاضر در کشور، اولین تجربه‌ی شوراها بعد از انقلاب اسلامی است و به همین دلیل در آغاز راه‌اند و با مشکلاتی نیز مواجه‌اند، از جمله: نبودن فرهنگ شورایی، نهادینه نبودن فعالیت‌های شورایی، فقدان روحیه‌ی مشارکت‌پذیری، امکان تحقق بخشی محدودی از زنجیره‌ی شوراها و مشخص نبودن وظایف و انتظارات.

این‌ها بر فعالیت تمامی شوراهای شهر سایه افکننده است. علاوه بر این مشکلات عام و کلی، شورای شهر نهاوند نیز به طور خاص با مسائلی مواجه است که کار در شورا را دشوارتر می‌کند.

تبلیغات انجام شده برای انتخابات شوراها در این شهر، هم‌سطح با توان شوراها نبود و به همین دلیل انتظارات بالایی را در مردم ایجاد کرد. شهرداری نیز، از پیش، هم با مشکلات مالی مواجه بود و هم با مشکلات کمبود نیروی انسانی متخصص؛ به طور کلی اعتماد مردم به شهرداری بسیار پایین بود. این نکته با توجه به رابطه‌ی متقابل شورا و افراد خیر و فعالیت این افراد در حوزه‌ی مسائل شهری بسیار تأمل برانگیز است.

◀ ماهنامه‌ی شهرداری‌ها: اگر مشکلات شوراها را آن‌گونه که گفته شد بپذیریم، آیا می‌توان ارتباطی منطقی، بین حضور و فعالیت افراد خیر در شهر را، با شورای اسلامی شهرها یافت

◀ مراد سیف: بدون شک طرح این مسئله که مشارکت افراد خیر می‌تواند روند پیشرفت شهر را به حد اعلای خود برساند، بسیار خوب است؛ اما باید در نظر داشت که این کار مناسبات و امکانات خاص خود را می‌طلبد. در شرایط فعلی، علاوه بر این که به نظر می‌رسد امکانات اجرایی این کار فراهم نیست، حتی بستر فکری این ارتباط را نیز، باید با برنامه ریزی مهیا ساخت.

مسئولان و مدیران شهری می‌توانند به افراد خیر به عنوان نوعی پتانسیل مالی در شهر بنگرند و با درک و هدایت انگیزه‌های آنان، می‌توان در روند اداره‌ی شهر، بسیار مفید و مثبت عمل کرد. شهرداری‌ها و شورای هر شهر می‌توانند برای افراد خیر طرح‌هایی تشویقی در نظر بگیرند و به عنوان مثال این گونه افراد را بدین سمت هدایت کنند که اگر در فلان مکان مورد نظر شهرداری، دست به احداث مدرسه، بیمارستان، کتابخانه یا هر احداث دیگری که در نظر دارند، بزنند، شهرداری امکانات ارتباطی فضا را - از قبیل راه، میدان و محورهای ورودی و خروجی - برای آنان فراهم خواهد ساخت. در برخی از این موارد، حتی خود فرد نیکوکار نیز، چه بسا بخشی از هزینه‌ها را تقبل کند. ما نمونه‌هایی از این تجربه را در شهر نهاوند داشته‌ایم.

در هر حال، بیش از هر چیز به عقیده‌ی من، باید کار فرهنگی کرد و بر این اصل باید تأکید ورزید، که شهرنشینی و اداره‌ی شهرها امروزه بدون مشارکت مردم ممکن نیست؛ آن‌هم نه هرگونه مشارکتی، بل مشارکتی که کاملاً هدایت شده و با برنامه‌ریزی باشد.

◀ اعظم خاتم: امروز بحث تازه‌ای در این جا مطرح شده است، مبنی بر این که فعالیت افراد خیردر شهر، که تاکنون در هماهنگی و کسب اجازه از بخش دولتی انجام می‌شده است، اینک از طریق شورای شهر که نهادی مردمی است و در واقع بخش انتخابی مدیریت شهری است انجام می‌گیرد. همین امر ممکن است اعتماد افراد خیر را در سطح گسترده‌تری جلب کند. دیگر این که حوزه‌ی فعالیت شورای شهر بسیار متنوع‌تر و پیچیده‌تر از آن چیزی است که افراد خیر تاکنون به طور معمول در آن فعالیت می‌کرده‌اند.

به نظر من اولین وجه قضیه بسیار مثبت است. بدون شک افراد خیر ترجیح می‌دهند با یک نهاد مردمی وارد گفت و گو شوند تا با دستگاہی دیوان‌سالار که خود با مسائل گوناگونی درگیر است و احتمالاً طرح‌های خیریه آنان را به هر دلیل در آخرین اولویت‌های کاری خود قرار می‌دهد. و حال این که شورای شهر نهادی مردمی است و اگر هم مشکلاتی پیش‌روداشته باشد، ممکن است بخشی از آن مشکلات را افراد خیر بر عهده بگیرند و در مقابل، شورای شهر با امکانات اجرایی خود، طرح‌ها و خواسته‌های آن‌ها را اولویت دهد و متحقق سازد.

دومین وجه قضیه عبارت است از جلب توجه افراد خیر به فعالیت، در حوزه‌ی موضوعات شهری، که خود جای بحث دارد. همان‌گونه که می‌دانیم و آقای شهبازی نیز به درستی اشاره کردند، شورای شهر در برابر سازمان‌ها و فعالیت‌هایی که تحت حوزه‌ی عملکرد شهرداری نیستند با مسائلی مواجه است. بنابراین ممکن است شورای شهر در پیگیری امور افراد خیر با این سازمان‌ها، نتواند چندان موفق ظاهر شود. در حوزه‌ی فعالیت‌هایی که تحت نظر شهرداری انجام می‌پذیرد، مانند آسفالت، جمع‌آوری زباله، فضای سبز و نظایر این‌ها نیز این نکته بسیار مهم است که مورد استقبال

افراد نیکو کار واقع نمی‌شود. اصولاً سرمایه‌گذاران امور خیریه در فعالیت‌هایی درگیر می‌شوند که تا حدودی جنبه‌ی ماندگار و نمادین دارد؛ و این نکته‌ای است که شورای شهر نمی‌تواند به آن بی‌توجه باشد. حوزه فعالیت افراد خیر امور جاری و روزمره نیست. یک استادیوم ورزشی یا یک بیمارستان که به نام فرد خیر خوانده می‌شود می‌تواند هر بار که مورد استفاده قرار می‌گیرد یادآور آن نام باشد. به نظر من فعالیت خیریه نیازمند این یادآوری و جنبه‌ی نمادین نیز هست و خوب است که شورای شهر، حوزه‌های جدیدی از فعالیت شهری را پیش روی این گونه افراد بگذارد که دارای چنین کارکردی نیز باشد. به هر حال، من در این جا دو پیشنهاد مشخص ارائه می‌کنم: یکی این که شوراها نقش واسطه میان سازمان‌های دولتی و افراد خیر را ایفا کنند، به گونه‌ای که موجب تسهیل عملکرد گذشته‌ی اینان گردد. دوم این که شوراها عرصه‌های جدیدی را تعریف کنند که جنبه‌ی نمادین و ماندگار نیز داشته باشد و انتظار نداشته باشند که نیکوکاران در بسیاری از امور جاری و روزمره‌ی شهر که دچار مشکل است آن‌ها را یاری رسانند. از جمله‌ی این فعالیت‌های جدید، شاید بتوان به مسکن‌سازی برای اقشار کم‌درآمد - خصوصاً حاشیه‌نشینان - اشاره کرد و یا این که چه بسا بتوان با کمک این گونه افراد فضاهای گردشگری شهر را توسعه داد.

◀ حسن پاسیار: به نظر می‌رسد در این جمع امکان وجود ارتباط میان شورا و افراد خیر، حتمی فرض شده و بحث فقط بر سر راهکارهاست؛ در حالی که این قضیه تأملاتی را می‌طلبد. شکی نیست که شوراها و نهادهای عام‌المنفعه ریشه‌ی اصلی مشترکی دارند که همان غیردولتی بودن آن‌هاست. از یک طرف نگاهی به فضای حاکم بر شوراهای تازه، نوظهور و نوپا و از طرف دیگر تأملی در تاریخ پر سابقه‌ی اقدامات عام‌المنفعه در کشور ما، نشان می‌دهد که فعالیت‌های خیریه در ایران همواره به گونه‌ای سنتی انجام می‌شده است و حتی در زمان حاضر نیز - در بیش‌تر موارد - قائم به فرد است. فرد خیر به تنهایی تصمیم می‌گیرد و اجرا می‌کند و دیگران از محصول کار او بهره می‌برند. یا در برخی موارد نیز این گونه خدمات بدون استفاده باقی می‌ماند.

نکته‌ی دیگر این که شوراهای شهرها هنوز مراحل اولیه‌ی تکوین خود را طی می‌کنند و سازوکارهای مشارکتی هنوز به درستی در درون خود آن‌ها نهادینه نشده است. ضمن این که شوراها به رغم مشکلات موجود، موظف‌اند در یک نظام مشارکتی فعالیت کنند، در حالی که چنین الزامی به هیچ‌وجه برای فعالیت افراد خیر وجود ندارد.

◀ مراد سیف: یکی از مسائلی که در مورد فعالیت افراد خیر در حوزه‌ی مسائل شهری مطرح می‌گردد، فقدان فضای اعتماد بین مردم و شهرداری‌ها است. ایجاد این حس اعتماد و این که مردم - و به ویژه افراد خیر - شهر و شهرداری را از خود بدانند، کار فرهنگی گسترده‌ای را می‌طلبد که در این راه نقش مطبوعات و رسانه‌های گروهی می‌تواند بسیار مؤثر باشد. اگر این فرهنگ و نگرش ایجاد شود که شورا و شهرداری متعلق به همان شهر است و هر کس اگر در شهر سرمایه‌گذاری کند - حتی اگر یک آجر هبه کند - در بهبود زندگی در آن شهر مؤثر است، قطعاً بسیاری از مشکلات مردم و شهرها بر طرف خواهد شد.

به نظر من ابتدا باید مشکلات شوراها شناسایی و برطرف شود تا در مراحل بعدی بتوان افراد خیر را به مشارکت در فعالیت‌های شهری دعوت کرد. به عنوان مثال، شخص سرمایه‌گذاری که می‌خواهد - با توجه به مشکل حاد بیکاری در شهر نهند - اقدام به احداث کارخانه‌ای در شهر بکند، باید مراحل متعدد و پیچیده و متفاوتی را به لحاظ اداری طی کند تا بالاخره با پیگیری‌ها و چانه‌زنی‌های فراوان موفق به گرفتن مجوز شود. این کار مدت زیادی به درازا می‌کشد و وقت و انرژی و سرمایه‌ی بسیاری را از بین می‌برد، تا آن‌جایی که این افراد ترجیح می‌دهند که منابع خود را در بخش دیگری به کار گیرند و وارد فعالیت‌های تولیدی نشوند. پس یکی از اولویت‌ها این است که شهرداری‌ها با کمک افراد خیر فضای مناسبی را برای احداث کارخانه یا کارگاه‌های تولیدی کوچک فراهم آورند، زمین‌ها را قطعه بندی کنند و با هماهنگی سازمان‌های ذی‌ربط مشکلات اداری و زیربنایی محل - از قبیل برق و آب و گاز و نظایر این‌ها - را برطرف کنند.

بعد از طی این مراحل، سرمایه‌گذار - و حتی افراد خیر - می‌توانند به احداث واحد تولیدی اقدام کنند. فرد خیر می‌تواند بدین ترتیب از سود این واحد تولیدی، اصل پولی را که در این جا صرف کرده است به دست آورد و آن را در جای دیگری به مصرف برساند و یا این که اصلاً همان سود را نیز صرف کار خیر دیگری بکند. در این صورت هم اشتغال ایجاد شده و هم منبع زایی برای تأمین مالی امور عام المنفعه به وجود آمده است.

اما همه‌ی این‌ها، زمانی می‌تواند محقق شود که شوراها اهرم مناسب را در اختیار داشته باشند. در زمان حاضر که تعریف شوراها فقط مختص به شهرداری است (آن هم نه مجموعه‌ی شهرداری بلکه فقط شخص شهردار)، و در وضعیت فعلی که اصلاً جایگاه شورا در مقابل اداره‌ی برق و آب و مخابرات و جز این‌ها مشخص نیست، امکان چنین فعالیت‌هایی نیز وجود ندارد.

◀ ماهنامه شهرداری‌ها: بهتر است همین جا برای روشن‌تر شدن موضوع، بحث را از دو منظر پیش ببریم: یکی این که شوراهای حاضر با وجود تمام محدودیت‌ها و دشواری‌هایی که پیش روی خود دارند چگونه می‌توانند فعالیت افراد خیر شهر را جهت دهی کنند و توجه آن‌ها را به موضوعات شهری معطوف سازند؛ منظر دیگر که نگاه بلندمدت‌تری است، این است که گفت‌وگوها به شوراهای امروز محدود نگردد. نوپایی حضور شوراها در نظام مدیریت شهری، بدون شك مشکلات فراوانی را پیش روی این نهاد قرار داده است. اما سؤال این است که حتی در شرایطی که جایگاه شوراها در شهر و در تعامل با سایر سازمان‌ها تثبیت شده باشد، آیا ارتباط میان شورا و افراد خیر معنی‌دار است یا نه؟

◀ حسین داودی: همان‌گونه که آقای پاسیار اشاره کردند، شورای شهر نخستین تجربه‌ی خود را پیش رو دارد و بر اساس آن باید خودش را تعریف کند. اتفاقاً هم اکنون زمان خوبی برای این بحث‌هاست. چون موجب می‌شود که شوراها، هم به امکانات امروز خود بیندیشند و هم برنامه و طرح آینده‌ی خود را آگاهانه‌تر رقم بزنند.



ضمن این که از فرصت‌های موجود نیز باید استفاده کرد. زیرا شوراهای حتی با امکانات محدود فعلی خود نیز می‌توانند افراد نیکوکار را جهت دهی و تشویق کنند. وقتی اینان ببینند که مجموعه‌ی شهری از نتیجه‌ی اقدامات آن‌ها استفاده می‌کند، تشویق می‌شوند و به دنبال آن دیگر افراد خیر نیز تصمیم به این گونه اقدامات می‌گیرند. فعالیت افراد خیر در شهر لزوماً محدود به مستحذات سنتی همچون مسجد و مدرسه و حمام نباید باشد - اگرچه که این‌ها خوب هستند - اما نیکوکاران هر شهر می‌توانند بخشی را هم برای مطالعات فرهنگی، تاریخی، اقتصادی شهرشان اختصاص دهند، یا دست کم پشتیبانی مالی کنند؛ و شورای شهر می‌تواند از حاصل این مطالعات بهره‌گیرد و یا بر مبنای آن‌ها برنامه ریزی کند. این تجربه در شهر نهاوند حاصل شده است و در واقع یکی از کارهای مؤسسه‌ی فرهنگی علیم‌رادیان همین است. محصول همایش‌های سالانه‌ی نهادشناسی که با سازماندهی و تأمین مالی همین مؤسسه و همکاری نهادهای دیگر فرهنگی و علمی نهاوند برپا می‌شود، مجموعه‌ای غنی از اطلاعات و راهکارهای کارشناسی شده‌ای است که شورای شهر به آن‌ها نیاز دارد و شورا به این ترتیب می‌تواند توانایی‌ها و نقاط ضعف شهر خود را شناسایی کند، و سپس با بهره‌گرفتن از راهکارهای پیشنهادی نهادهای خیریه، اقدامات خود را شتاب بخشد.

یکی دیگر از زمینه‌هایی که شورای شهر می‌تواند افراد خیر را متقاعد کند که کمک‌های لازم را در اختیار آن‌ها قرار دهند موضوع اشتغال است. زیرا همگان معترف‌اند که بحث جوانان و اشتغال، از معضلات جدی شهرهاست که بی‌توجهی به آن مسائلی چون مهاجرت، اعتیاد، فساد و انواع آسیب‌های اجتماعی را در پی دارد. افراد خیر یا مؤسسات خیریه چنانچه به ضرورت چنین اقداماتی پی ببرند، بدون شک مشارکت خواهند کرد و این وظیفه‌ی شورای شهر است. که این ضرورت را برای همه تبیین نماید.

به نظر من شورای شهر می‌تواند فهرستی از تمامی کارهایی که می‌خواهد انجام دهد - و افراد خیر هم می‌توانند در آن‌ها مشارکت ورزند - تهیه کند. این فهرست می‌تواند شامل فعالیت‌های فکری و فرهنگی یا فعالیت‌های ساخت و ساز در شهر باشد.

◀ مظفر صرافى: شايد بتوان فعاليت افراد خير را در شهر به دو سمت اصلى هدايت كرد: يك سمت، كمك اين افراد به نيازمندان است، كه به طور سنتى در فرهنگ ما رواج داشته است و امروز نيز همچنان انجام مى شود. اين نوع فعاليت را مى توان سازمان دهى كرد و با شيوه هاى جديدى كه در دنيا وجود دارد، از كمك هاى خرد و كلان بيش ترين بهره را برد.

سمت ديگر، كمك افراد و سازمان هاى خيريّه در پر كردن خلأ در بخشى از نيازهاى جمعى است. به طورى كه دستگاه هاى شهري توان آن را ندارند كه در اين حوزه ها ظاهر شوند - برخى از خدمات، در اقتصاد به «كالاي عمومى» مرسوم اند؛ يعنى اگر ساخته شوند همه از آن بهره مى برند، ولى چون مستقيماً نمى توان از آن برداشت اقتصادى كرد، جامعه چندان ماييل به پرداخت هزينه براى آن نيست. مثال كلاسيكى كه در اين قضيه وجود دارد، اين است كه اگر يك فانوس دريائى ساخته شود همه از آن استفاده مى برند، اما هيچ كس حاضر نيست براى ساختن آن سرمايه هزينه كند.

حال اگر شوراي شهر مى خواهد افراد خير را به سمت توليد «كالاهاى عمومى» تشويق كند، نيازمند اين است كه خودش صاحب ديدگاه و نظريه باشد كه ماحصل آن، برخورد كارشناسانه اى با افراد خير و فعاليت هاى آن هادر شهر خواهد بود. شوراي شهر به سبب ديدگاه جامعى كه در توسعه ي شهر دارد مى تواند به نمايندگى از طرف مردم شهر، اولويت طرح هاى شهري را به اطلاع افراد خير برساند و آن ها را به اين سمت هدايت كند.

من هيچ اشاره اى به مؤسسه ي خاص يا شهر خاصى ندارم، اما همان گونه كه مطرح شد، افراد نيكو كار بيش تر تمايل به برخى فعاليت هاى نمادين و تعريف شده دارند. حال شوراي شهر مى تواند به واسطه ي آشنائى با مسائل شهري و هم چنين نيازسنجى اى كه از شهروندان كرده است، به سمت نوعى شهرسازى مشاركتى حركت كند؛ و به جاى اين كه افراد خير طرح هاى بزرگ و چشم گيرى را اجرا كنند و در واقع شهر را در مقابل عمل انجام شده اى قرار بدهند، شورا به آن ها برنامه بدهد. من مى دانم كه اين حرف ها

بحث برانگیز است و اصلاً هدف از برگزاری این جلسه نیز، این است که طرح مسئله شود و مشکلات و محاسن آن شناخته شود.

شوراها در رویکرد به افراد خیر، نباید تنها نیکوکاران بزرگ و مطرح را - که به نوعی می‌توانند مدیران شهری را تحت تأثیر قدرت مالی خود قرار بدهند - در نظر داشته باشد و بس؛ بلکه هنر و وظیفه‌ی شورا در این است که منابع مالی بسیار اندک را نیز که مردم تمایل دارند در انجام امور خیریه به مصرف برسانند جمع‌آوری و برای آن‌ها برنامه‌ریزی کند. در دنیا نمونه‌های تجربی خوبی برای این کار وجود دارد. به عنوان مثال می‌توان به تأمین مبلمان شهری یا نیمکت‌هایی در سطح شهر اشاره کرد که افراد، به نام خود یا عزیز از دست‌رفته‌شان، اهدا کرده‌اند. یا این که احیاناً شوراها می‌توانند منابع مالی خرد را جمع‌آوری کنند و یک پروژه‌ی بزرگ را به اجرا در آورند؛ در این میان برای تشویق و حفظ انگیزه می‌توانند نام تمامی افراد یاری دهنده را در جایی درج (و نصب) کنند تا دعای خیری - که مد نظر بیش‌تر کمک‌کنندگان است - بدرقه‌ی راه آنان باشد. شورای شهر می‌تواند در این زمینه، دست کم جزوه‌ای در چند صفحه منتشر کند تا هر کس با هر سترمایه‌ی - کم یا زیاد - که برای کاری عام‌المنفعه در نظر گرفته با مراجعه به آن (جزوه) به درستی بداند که قدم اول چیست و از کجا باید آغاز کند. این کار باعث می‌شود هر فرد خیر به مجموعه‌ی بزرگ‌تری پیوندد و در مجموعه‌ای هماهنگ عمل کند. در این صورت یک کار خیر، کاری منحصر و تک رو در شهر، نخواهد بود.

◀ حسن پاسیار: به نکته‌ی بسیار خوبی اشاره شد. خطری که فعالیت‌های خیریه و عام‌المنفعه را در شهر تهدید می‌کند، این است که قائم به فرد یا افراد خاصی شود. فعالیت خیریه در شهر باید به جریانی دائمی و پایدار بدل گردد. چون به رغم این که اقدامات عام‌المنفعه در شهر بسیار پسندیده است. اما اگر در بنیان این حرکت مشارکت ایجاد نشود، خود تبدیل به ضد‌مشارکت خواهد شد. امروزه در بسیاری از شهرها نیکوکاران کوچک یا حتی متوسط که هر اقدام خود را - در مقایسه با فعالیت فلان

نیکوکار بزرگ شهر - ناچیز می دانند، دست به هیچ اقدامی نمی زنند و در واقع منفعلانه عمل می کنند؛ و این آفتی است که شوراهای باید برای آن تدبیری بیندیشند.

به نظر من شورای شهری که از درون شهر و جامعه برخاسته است، با وجود داشتن مشکلاتی که برخی از آنها در این جا مطرح شد، باید سرمنشأ تغییر و تحول شود. این تغییرات هم، بدون شک در تجربه‌ی دوره‌ی اول شوراهای مورد انتظار قوانین و بخشنامه‌ها نیست. بلکه شوراهای پیش‌تر باید بر ابتکارات خود متکی باشند و ضمن این که هم چون خون تازه‌ای در رگ جامعه جاری می‌شود. خلأهایی را که در راه توسعه و اداره‌ی شهرها وجود دارد شناسایی و پر کنند. در مورد موضوع افراد خیر نیز این شوراهای هستند که باید دست به ابتکار بزنند، نه این که منتظر باشند که افراد خیر به آنها مراجعه کنند.

◀ اعظم خاتم: البته بحث جمع‌آوری کمک‌های خرد، نوعی سازماندهی مدرن است. در حالی که بخش عمده‌ی فعالیت عام‌المنفعه در کشور ما به صورت سنتی انجام می‌شود. همیشه در جامعه‌ی ما بزرگانی از خانواده‌های متمول بوده‌اند که به خاطر ارزش‌های اعتقادی‌شان وارد فعالیت‌های عام‌المنفعه می‌شدند. این تفکر، که شورای شهر و یا سازمان دیگری ایجاد شود که منابع مالی را جمع‌آوری کند، در کشور ما تجربه‌ی نوپایی است. به عنوان نمونه، می‌توان گفت سال‌ها به طول انجامید تا بنیاد کهریزک، از بنیادی که تقریباً قائم به فرد بود، به بنیادی تبدیل شد که امروز دکه‌های حمایت و درخواست کمک به آن در همه جا به چشم می‌خورد و دیگر حتی چندان اسمی از دکتر تهرانیان - بنیان‌گذار این مجموعه - برده نمی‌شود. بیش‌تر اسم بنیاد مطرح است و مجموعه‌ی وسیع اشخاصی که کمک می‌کنند.

من فکر می‌کنم بحث به نقطه خوبی رسیده است و شاید جای طرح این سؤال است که آیا شوراهای با شرایط و امکانات فعلی می‌توانند فعالیت افراد خیر را به گونه‌ای سازماندهی کنند؟ از مجموعه‌ی صحبت‌ها و به خصوص از تجربه‌ی مؤسسه فرهنگی علیمردیان در شهرنهاوند، به نظر می‌رسد که جواب مثبت باشد؛ حتی به لحاظ نظری نیز چنین است.

البته اگر در سطح شهر سازمانی نباشد که مجموعه‌ی فعالیت‌های شهر را شناسایی و نیازها را اولویت‌بندی کند، طبیعی است که افراد خیر با امکانات و توانایی‌هایی که دارند، به ایجاد تأسیساتی چون ورزشگاه و مانند آن اقدام می‌کنند و از آن جایی که همه‌جا کمبود وجود دارد، هر اقدامی صورت پذیرد مثبت خواهد بود.

اما سؤال این است زمانی که نیازهای عریان شهر برطرف شده باشد، افراد خیر در مراحل بعدی چگونه گام برخواهند داشت. وقتی شهر کوچک است، این که بزرگان شهر بنابر تجربه‌ی شخصی‌شان تشخیص دهند که نیاز چیست و کجا باید مداخله کنند چندان دشوار نیست. اما وقتی جمعیت شهر به ۱۰۰ هزار نفر و بیش از آن می‌رسد، دیگر تشخیص نیازهای شهر، به سادگی میسر نمی‌شود. شاید برخی از اقدامات افراد خیر در شهرها، به رغم همه‌ی زحمتی که می‌کشند، هدر دادن منابع باشد.

در برخی شهرها شاهد هستیم که اقدامات این‌گونه افراد در ابعادی صورت می‌گیرد که اصلاً برای آن شهر مناسب نیست. مثلاً اگر به جای یک بیمارستان مجهز بسیار بزرگ، در شهری کوچک، چند درمانگاه ایجاد شود، استفاده‌ی به مراتب بهتری از آن صورت می‌پذیرد. به نظر من مهم‌ترین نقش شورای شهر این است که نیازها و مسائل بحرانی شهر را شناسایی کند. برطبق قانون نیز شورا می‌تواند (و موظف است) که مشکلات مدیریت شهری را شناسایی و اولویت‌بندی کند. شوراها می‌توانند در قالب برنامه‌ای چهارساله نیازهای شهر خود را اولویت‌بندی کنند و آن را در قالب برنامه اختیار مؤسسات خیریه و سازمان‌های غیر دولتی قرار دهند.

اکنون جای چنین برنامه‌ای - که هدایت افراد خیر را بر عهده داشته باشد - در مدیریت شهری ما خالی است. این اقدام را شورای شهر می‌تواند با همین امکانات فعلی انجام دهد؛ این کار نه نیاز به اصلاح قانون شوراها دارد و نه ایجاد فرهنگ شورایی.

عرصه‌ی دیگری که شورای شهر می‌تواند مداخله کند، پیگیری مشکلات نهادهای غیردولتی و مؤسسات عام‌المنفعه است. انجام امور عام‌المنفعه در شهرها با دشواری‌های بسیاری مواجه است. احداث بیمارستان، مدرسه، ورزشگاه و نظایر این‌ها از مواردی است که رفت و آمدها و درگیری با سازمان‌های بسیاری را می‌طلبد. این در

حالی است که شورای شهر این قابلیت و توانایی را دارد که با بسیاری از سازمان‌ها و نهادهای دولتی وارد گفت‌وگو شود تا فلان طرح شهری که قرار است به دست فردی نیکوکار انجام شود، زودتر و آسان‌تر به اجرا درآید. حتی شورای شهر می‌تواند واحدهای را که افراد آن حتی از خود نیکوکاران باشند برای این کار تشکیل دهد و به افراد خیر، خدمات اطلاع‌رسانی ارائه دهد و در برخی زمینه‌ها آن‌ها را با موارد قانونی کاری که می‌خواهند انجام دهند، آشنا سازد. اصلاً نیکوکاران کوچک و بزرگ شهرها می‌توانند پشتوانه‌ی قدرتی شوراها باشند و آن‌ها را در هر چه مردمی‌تر بودنشان یاری کنند.

◀ ماهنامه‌ی شهرداری‌ها: از مجموع گفت‌وگوها این گونه بر می‌آید که شورای شهر بدون این که نیازی به رفع محدودیت‌های قانونی فعلی خود داشته باشد، فضای کار بسیاری دارد و می‌تواند دست کم - آن گونه که آقای سیف گفتند - برای حضور افراد خیر در شهر فضا سازی کند، یا در سطح وسیع - آن گونه که خانم خاتم معتقدند - می‌تواند برنامه‌ی توسعه شهری داشته باشند. هر کدام از این رویکردها منجر به این خواهد شد که هر فرد، با هر سطحی از امکانات که می‌خواهد مشارکت کند، مطلع باشد که به کجا باید مراجعه کند و اصلاً چگونه می‌تواند از طیف فعالیت‌های مورد نیاز و حتی اولویت آن‌ها مطلع شود.

یکی از نکات ظریفی که مؤسسه‌ی فرهنگی علیمیرادیان به درستی بر آن تأکید داشت، مشارکت افراد خیر و جلب منابع مالی اندک است. شاید دیگر وقت آن رسیده باشد که مانیز کمک‌های پدر سالارانه را به جریانی مردمی تبدیل کنیم. از آن‌جا که یکی از دغدغه‌های جدی امروز ما مسئله‌ی اشتغال است، امید است که این‌گونه نشست‌ها، و تحقیقات علمی و عملی پس از آن، به راهکارهایی دست یابد که افراد خیر را به سمت فعالیت‌های تولیدی اشتغال‌زا هدایت کند.

این نشریه در پایان از کلیه‌ی حاضران در جلسه - خصوصاً اعضای شورای شهر نهاوند که از راه دور آمده‌اند - نهایت تشکر را دارد. امید است که این تلاش نقطه‌ی شروع فعالیت در تمامی شهرها باشد.